



درس خارج فقه تربیتی جلسه ۲۱ - استاد اعرافی

- ۲ حرمة مؤکده محرمات برای عالم نسبت به دیگران
- ۳ روایات تأکید بیشتر تکالیف درمورد عاقل
- ۴ آیا گناهان دارای یک درجه و رتبه هستند؟
- ۵ ملاکهای تفاوت مراتب گناهان
- ۵ ۱- تفاوتهای فردی
- ۵ ۲- مراتب رشد عقلی و اخلاقی
- ۵ ۳- درجه علم و دانائی شخص
- ۷ تفاوتهای ذاتی و عرضی گناهان
- ۷ تشکیک ذاتی و عرضی در محرمات
- ۸ ۴- تفاوت در موقعیت اجتماعی شخص
- ۹ تشکیک و عدم آن در واجبات



بسم الله الرحمن الرحيم

گفتیم که در آداب و وظائف عالم بحث ایجابی دارد و بحث فردی دارد قبل از اینکه به بحث فردی پردازیم بحث کلی تری مطرح شد و آن این بود که تأکید وظائف عالم به کثرت ثواب و عقاب است باینجا مطرح شد که دیروز بحث کردیم فقط یک نکته ای باقی ماند که تفاوت احکام تحریمی و احکام ایجابی بود. ثواب و عقاب آخرین نکته ای که می شود اینجا مطرح کرد راجع به آن یکی دو نکته هست که عرض می کنم.

حرمة مؤکده محرمات برای عالم نسبت به دیگران

مستفاد از ادله و روایات فراوانی که در باب علما وارد شده است این است که عالم تکلیف مؤکدی دارد و در محرمات و امور تحریمی عقاب او مظائف می شود یعنی همه چیزهایی که برای سایرین حرام است و عقاب دارد برای علما عقاب مضاعف دارد منتهی چهار احتمال داشت که دیروز توضیحات و تفصیلاتش را عرض کردیم این یک بحث بود که در بخش تحریمی بود و حاصلش هم این است که آنچه که برای دیگران حرام است برای عالم حرام مؤکد است این در واقع یک قاعده فقهی است حرمت مؤکده محرمات برای عالم، ادله این جاهای مختلف است از جمله روایاتی که در مورد علمای سوء و فاجر آمده است. این روایات در همین کتاب علم و حکمت صفحه چهار صد و چهل شروع می شود عنوانش هم علمای سوء است. که در این فصل علماء السوء، عالم بلا عمل، ذم علماء السوء، خطر زلّة العلماء، خطر علماء السوء، خطر العالم الفاجر، حساب علماء السوء و عقاب علماء السوء، آمده که در هفت هشت باب این فصل تنظیم شده که تنظیماتش را ما کار نداریم ولی روایات اینجا آمده که ارجاع به منابع اصلی داده شده و روایات هم در حد تواتر است و بعضی سند معتبر دارد. همان «ألا و إن الله تعالى لیغفر للعالم أربعمین ذنبا قبل أن یغفر للجاهل ذنبا واحدا»^۱ و امثال این از روایات که مفید این هست که معصیت از عالم عقاب بیشتری دارد. با یکی از چهار توجیحی که دیروز عرض کردیم. این در ظرف احکام است در این جاها بحث علم مطرح است و احکام تحریمی برای عالم مؤکد است

۱ - العلم و الحکمة فی الکتاب و السنة، ص ۳۸۲.



روایات تأکید بیشتر تکالیف در مورد عاقل

یک طائفه از روایات است که تعبیر عقل و عاقل دارد برای عاقل ملاک مؤکدی قائل شده این روایات در منابع دیگری است که ما از کتاب آقای ری شهری نقل می‌کنیم آن در کتاب العلم و الحکمة بود این گروه از روایات در کتاب عقل و جهل است. از صفحه هفتاد و چهار تا هفتاد و هشت اینجا یک دسته از روایات آمده که دلالت می‌کند که عقاب خداوند به مقدار عقلی است که به انسان‌ها داده است. به خصوص در این باب ۳/۴ صفحه هفتاد و پنج کتاب عقل و جهل است. عنوان باب این است دور العقل فی حساب الاعمال در همین کتب روایی ما در همین کتاب عقل و جهل است که از اصول کافی و خیلی از کتب حدیثی ما با کتاب علم و معرفت یا عقل و جهل شروع می‌شود این روایت در آنجا آمده اینجا هم نقل کرده مثلاً روایت سوم این باب این است که «إِنَّمَا يُدَاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا»^۲ این از اصول کافی هم نقل شده و فکر می‌کنم معتبر باشد. روایت دیگری هم دارد یا «أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَقَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا»^۳. این روایت مخصوص به عقاب هست و نظیر این در صفحه سی و دو هم ایشان ارجاع داده آنجا هم روایتی است که به نحوی مفید همین مسأله هست که بعد می‌بینید. در واقع این هم به نحوی مکمل بحث قبلی است می‌گوید عالم که شد به خاطر علمی که دارد عقاب بیشتری دارد این روایت دوم می‌گوید به میزانی عقلی که شخص دارد عقل طبعاً با علم تمایزی دارد. عقل آن کشش و توانمندی درک و فهمی است که خدا به افراد داده است. یعنی آن اندازه که به او استعداد و کشش و توان داده به آن اندازه مؤاخذه می‌کند. این غیر از آن است. آن بحثی که ما مستقیم وارد آن شدیم راجع به عالم بود بحث این است که کسی خواننده و آگاهی بیشتری با این حکم یا سایر معارف دارد و اطلاعات بیشتری از دین کسب کرده این وقتی که در خطا و انحراف قرار بگیرد عقاب بیشتری دارد. این روایات گروه دوم که در مورد عقل آمده به یک امر ریشه ای تری می‌پردازد یعنی در واقع میزان کشش و استعداد شخص را می‌گوید نه اطلاعاتی که برای او جمع شده و خوب خیلی مطلب مهمی است این بحث بعد تربیتی بسیار مهمی هم دارد یعنی برخی آدم‌ها درک قوی که بتواند به مفسده توجه بکند کشش ذهنی به آن اندازه ندارد یا آدمی که استعداد خیلی قوی دارد که فوری می‌فهمد خدا یعنی چه و عقاب یعنی چه. ولی یکی

^۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱، ص: ۱۰۶.

^۳ - همان.



توانمندی اینکه بتواند به آینده توجه نکند ندارد. شما اگر از عقب مانده‌ها شروع بکنید بیایید تا آدمهایی که ضریب استعدادها متفاوت دارند واقعا بعضی از آنها به خاطر ضعف استعداد تصور می‌کند که اگر این کار را بکند زندان می‌رود و این نمی‌تواند خیلی خوب آینده نگری بکند یک طرف فقه همین عقب افتاده‌ها و آدمهایی است که عقب ماندگی ذهنی دارند. آنها خودشان درجات دارند. به مرز تکلیف هم برسد همه اینها می‌ایستند. یکی یک مقدار توجه دارد یکی واقعا استعداد قوی دارد و یکی خیلی خوب می‌فهمد ولو اینکه منحرف است ولی خوب می‌فهمد و در آن مسیر رفته است. این روایات می‌گوید که آن کشش و توان فهم و درک و شناخت و اینها در میزان معاقبه محاسبه افراد مؤثر است. «إِنَّمَا يُدَاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا» به همان اندازه که آنها توان فهم و درک مصالح و مفاسد و مولویت مولا و عواقب کار داده به همان اندازه آنها را مؤاخذه می‌کند و

آیا گناهان دارای یک درجه و رتبه هستند؟

لذا دو تا قاعده از این به دست آمده یک قاعده این است که شدت و گناهان برای همه افراد در یک درجه است چه صغائر و چه کبائر، گناهان مدارج دارد این مدارج دو تا ملاک دارد یک ملاکش اصل آن استعداد و توانایی فهم و درک است. چه درک مصالح و مفاسد و اینها چه درک اخلاقی و حسن قبح و خوبی و بدی است چون درک حسن و قبح هم در رتبه واحده نیست. این را در روانشناسی هم بحث کرده‌اند. می‌گویند اصلا شکوفایی فهم اخلاقی ناگهانی نیست درجاتی طی می‌کند از دوره بچگی شروع می‌شود و رشد می‌کند و در افراد هم متفاوت است و اینها البته ملاکش که به دست بیاید روایات دیگر هم دارد که ما باید بگوییم ممکن است سؤال بشود که گناهان و معاصی یک رتبه دارند؟ جواب این است که نه گناهان دارای مدارج و مراتب هستند.



ملاکهای تفاوت مراتب گناهان

۱- تفاوت‌های فردی

۲- مراتب رشد عقلی و اخلاقی

۳- درجه علم و دانائی شخص

ملاک مدارج و مراتب این‌ها است ۱- یکی مراحل تفاوت‌های فردی ۲- یکی هم مراتب رشد عقلی و اخلاقی ۳- و یکی هم درجه علم و دانایی شخص است این یک بحث بسیار مهمی است که در ادامه بحث دیروز قرار می‌گیرد. بحث سبقه فقهی هم دارد یعنی فقه باید بگوید این عبادت از کبائر است و درجه گناه تفاوت دارد یا ندارد یعنی فقه همین‌طور که از اصل حکم بحث می‌کند از شدت و ضعف حکم اینکه این کبیره است یا صغیره و از کبائر بالا یا متوسط است این‌ها در محدوده بحث‌های فقهی می‌آید از این جهت است که این‌ها همه به نحوی در شمول و حدود فقه قرار می‌گیرد. که آن مقدمات طولانی کذائی ما این نکته را آنجا نیاوردیم. آنجا وقتی می‌گوید که محمول فقهی فقط پنج تا حکم نیست کیفیات حکم و درجات حکم هم هست. در هر حال در حوزه محرمات و احکام تحریمی ما یک قاعده می‌توانیم از روایات فراوانی که در ابواب مختلف وارد شده استفاده بکنیم که- محاسبه و عقاب‌ها و درجه حکم تحریمی واحد نیست بلکه با ملاکهای مختلف می‌تواند درجات متفاوتی پیدا بکند. به چه ملاک‌هایی درجات متفاوت پیدا می‌کند؟ ملاک‌های زیادی است از جمله این سه ملاک، یکی همین دور العقل فی حساب الاعمال است. که در کتاب عقل و جهل صفحه هفتاد و پنج آمده و در اصول کافی هم آدرس‌ها داده می‌شود. که توانایی اولیه و کشش شخص و سقف استعدادی او و به اصطلاح امروز ضریب هوشی او اعم از هوش نظری و هوش اخلاقی اینجا که آن هم مهم است. خود این هم بحث‌های بیشتری دارد که در جای خود باید انجام بگیرد. این‌ها از جاهایی است که روانشناس‌ها برای برای بحث‌های خودموضوع درست می‌کنند. این توانایی ذاتی و ضریب هوشی و کشش افراد متفاوت است این در این مؤثر است که بگوییم این گناه او سنخ گناه یکی است مثلاً معاذ الله زنا است ولی گناهِش از هر یک از افراد متفاوت است. کذب است ولی از اینجا متفاوت است. همین است یداق ۱۹/۳۰ الله العباد فی الحساب علی قدر ما اتیهم من العقول فی الدنيا. یکی از عوامل که عامل بسیار مهمی است ضریب هوشی است فقط هم هوش نظری نیست هوش اخلاقی است هوش هیجانی است که در روانشناسی خواندید ما مدت‌ها قبل همه چیز



را با هوش نظری و فقهی ارزیابی می‌کردند الا در روانشناسی هوش هیجانی مهم است هوش هیجانی است که سایر استعدادها را شکوفا می‌کند. به هر حال مجموعه ای از ضریب استعداد هوش هیجانی هوش ذهنی و هوش اخلاقی است که افراد در این‌ها متفاوت هستند. این در درجه حکم حرمت و میزان عقاب مؤثر است. طبق روایاتی که در کتاب عقل و جهل آمده این یکی از ملاکهای تفاوت گناهان است و درجه شدت و ضعف حرمت است. پس پاسخ آن سؤال این است و ملاک‌های هم این‌ها است. یکی تفاوت‌های فردی است از حیث تفاوت در هوش هیجانی و اخلاقی و ذهنی و امثال این‌ها، همه چیزهایی که در انگیزش شخص نسبت به محرمات و پرهیز از آن‌ها مؤثر است. بحث بعدی اینجا موارد رشد عقلی و اخلاقی است اینکه از یک کودک و فردی که تازه به تکلیف رسیده و هنوز به آن درجه از رشد اخلاقی نرسیده با آن کسی که توانمندیش به کمال رسیده تواناییهای ذهنیش از لحاظ فهم مسائل اخلاقی دینی بالا آمده که این هم متفاوت است که این هم همین ملاکی که این روایات دارد شامل آن هم می‌شود علاوه بر اینکه شاید روایات خاصی هم داشته باشیم. این هم ملاک دوم است که آن تفاوت‌های فردی است این مراحل رشد در یک فرد است. سوم همانی است که دیروز بحث می‌کردیم و آدرس دادیم امروز به آخر کتاب علم و حکمت. اینجا آنوقت بحث فعلیت یافتگی فرد است دانشی است که کسب کرده نه آن توانمندی ذاتی و بیث کار نه! آنچه که او کسب کرده یکی این است که دو نفر توانمندیهای متساوی دارند ولی یکی رفته فیزیک و شیمی خوانده ولی یکی آمده صبح تا شب روایات می‌خواند خوب آن کسی که این را می‌گوییم کسی که این را می‌خواند و در یکی از چهار محوری که عرض کردیم عالمی که علمش در مسائل دینی فعلیت پیدا کرده عقابش مضاعف است. آن اولی و دومی تواناییهای ذاتی است این تواناییها و چیزهای بیثیت یافته است که رفته و دانشی نسبت به کذب و غیبت و امثال این‌ها پیدا کرده است. این‌ها خودشان هم در هم کسر و انکسارهایی دارند مثلاً کسی که توانایی بالایی ندارد ولی اطلاعات زیادی کسب کرده این با هم جمع می‌شود ممکن است بگوییم صرف اطلاعات زیاد یکی از عوامل است که درجه عقاب را بالا می‌برد. ولی همین آدم برای کسی که استعدادهای خارق العاده قوی دارد با هم ترکیب می‌شود و عقاب را خیلی بالا می‌برد ولی یک آدمی که تواناییهای ذاتیش زیاد نیست ولی اطلاعاتش بالا است این در یک حدی عقاب را بالا می‌برد. گاهی این‌ها ترکیب می‌شوند گاهی از هم جدا می‌شوند. کسر و انکسار تأثیر خودش را در تنظیم درجه می‌گذارد. البته این درجه‌ها فوق العاده متعدد و متفاوت است ولی اجمالاً می‌توانیم بگوییم این تأثیرات را دارد.



تفاوت‌های ذاتی و عرضی گناهان

یک بحث تفاوت ذات گناهان است این همان صغیره و کبیره است تفاوت‌های ذاتی گناهان است یعنی با قطع نظر از اینکه چه کسی گناه را مرتکب می‌شود. صغیره و کبیره ملاکی است که در فقه داده شده که البته محل بحث است بعضی قائل به صغیره و کبیره هستند بعضی هم نیستند. آن یک بحث فقهی است. در واقع تفاوت‌هایی که بر می‌گردد به ذات، تفاوت گناهان به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود یکی تفاوت ذاتی در معاصی است که از این تفاوت ذاتی درجات پیدا می‌شود. حداقلش این است که صغائر و کبائر است. یعنی مثلاً فرض کنیم زنا دروغ غیبت ذات این اعمال تفاوت‌هایی دارد این خود به ما هو فعل با هم تفاوت‌هایی دارند یک نوع تفاوت داریم که ما می‌گوییم عرضی یا عارضی این تفاوت‌های عرضی آنوقت این است که ما اینجا بحث می‌کردیم.

تشکیک ذاتی و عرضی در محرمات

و آن این است که گناهان اگر یک رتبه دارند می‌گوییم نه رتبه‌هایش یکی نیست حرمت‌ها در یک حد نیستند یک تفاوت و تشکیک ذاتی در خود فعل داریم یک تشکیک در ذات فعل است. که این خودش یک بابی دارد که در جای خودش در فقه و اخلاق و این‌ها بحث شده یک تفاوتی هم داریم که تشکیک عرضی است یعنی به خاطر فاعل است و فاعل گفتیم درجاتی دارد این فاعل یکی تفاوت‌های فردی است یکی تفاوت‌های از حیث مراحل رشد است یکی از حیث دانایی و میزان فعلیت یافتگی فرد است چیزهای دیگر هم هست این‌ها بعضی در کتابهای اخلاق آمده می‌گوید عواملی که موجب شدت گناه می‌شود اینها به نحوی بحث‌هایی است که هم اخلاقی است هم فقهی است خیلی چیزهای دیگر هم هست که می‌شود آورد مثلاً اینکه فاعل علاوه بر اینکه عالم است در جامعه اسوه است دیگران یقیناً به ممکن است هر عالمی اسوه باشد امام باشد علم و اسوه بودن این هم یک ملاکی است آن هم از ملاک‌هایی است که این تأثیر دارد البته خود عالم هم این ملاک به خاطر اسوه بودن است. ولی ایت اسوه بودن در خانه در محیط و جامعه وقتی شخص اسوه شد ولو عالم دینی نیست ولی تاجری است که همه به او تأسی می‌کنند یا پدر و مادر است که در خانه از او الگو می‌گیرند. این‌ها همه گناه را برای آن‌ها افزایش می‌دهد. مشهور فقها قائل به صغیره و کبیره هستند عده ای هم این مرز را برداشته‌اند اگر هم ان نظر اول را داشته باشیم ملاک صغیره و کبیره چیست آنجا هم انظاری وجود دارد. آن تفاوت‌هایی که با قطع نظر از فعل از بیرون ضمیمه به فعل می‌شود یکی



ویزگیهای فاعل است فاعل و عاصی و مرتکب معصیت است (خلاصه) از این ویژگیها حداقل چهار تا را می‌شود به عنوان چهار عامل مهم بر شمرد تفاوتها فردی و تفاوتهای از حیث مراحل رشد و تفاوت در علم و دانایی و

۴- تفاوت در موقعیت اجتماعی شخص

تفاوت در موقعیت اجتماعی شخص، که اینها گاهی با هم می‌شود و گاهی هم از هم جدا می‌شود. اینها عواملی است که گناهای را متفاوت می‌کند حرمت را اشد و اقوی یا اضعف می‌کند در حد موقعیتها این عرضیها در حد یک فاعل است ولی می‌تواند عوامل دیگری هم باشد مثلا ۵- مکان گناه و زمان گناه اینها عوامل اضافی است امکانه متفاوت است و لذا بعضی از گناهان در بعضی مکانها موجب این می‌شود که حد پیدا می‌کند در مقام مقدس که گناه بکند طبق روایات حداقل بعضی روایات دلیل خاص دارد. کلی هم هست یا نیست جای خودش که آن هم عامل بیرونی است که شدت و ضعف به گناه می‌دهد. زمان هم همینطور است معصیت در ماه مبارک شب جمعه و زمانهایی که امتیاز و قداستی دارد موجب تفاوت اینها می‌شود خود این بحث بحثی جامع و کلی است که اگر به صورت مقاله در بیاید خوب می‌شود و ابوابی از این باز می‌شود و با بحث مراحل رشد و بحثهای تفاوتهای فردی ربط پیدا می‌کند. این هم مطلب دیگری که می‌شود گفت. این هم بعد اخلاقی دارد و هم بعد فقهی دارد برای اینکه کیفیت حکم و درجات حکم در فقه جای بحث دارد البته مثل صغیره و کبیره آثار بهتری دارد اینجا آثار فقهی هم دارد ولی کمی با آن متفاوت است. مثلا یک اثر فقهی که اینجا وجود دارد این است که بعضی از این عوامل گناه صغیره را کبیره می‌کند آنوقت در عدالت هم تأثیر دارد. یعنی آثار فقهی هم بر اینها مترتب می‌شود. پس گناهان یک رتبه ندارند این فی الجمله بر حسب روایت مورد اطمینان است و عقل هم تا حدی این را می‌فهمد. ما اگر روایتی هم نداشتیم عقل می‌گوید که معصیت گناهش که ایستادگی در برابر مولا است ایستادگی بین آدمها متفاوت است ولی روایات داریم منتهی می‌شود به طور کلی بگوئیم تفاوت دارد گناه امر تشکیکی است و حرمت تشکیکی و ذو مراتب است و آثار فقهی و اخلاقی دارد. تشکیکی بودن یا به حوزه ذات فعل بر می‌گردد گناهان در یک رتبه نیستند و متفاوت است؛ و تشکیک و تفاوت عارض از ناحیه عوامل خارج فعل یا قائل به مکان است یا زمان است. این را دیروز مفصل بحث کردیم و گفتیم همین علم کسی که بیشتر است گناه او مورد مؤاخذه بیشتری قرار می‌گیرد. به استناد دهها روایتی که در بحث وارد شده است. آن عقاب می‌شود که نرفت یاد بگیرد ولی کسی که یاد گرفت اگر



ترک کرد طبق این روایات خیلی عقاب می‌شود. این بحثی است که در گناهان هست اما بحث دیگری که اینجا وجود دارد گفتیم که بحث احکام تحریمی در معاصی بود که بحث کردیم

تشکیک وعدم آن در واجبات

یکی در احکام ایجابی و واجبات هست اینجا هم این سؤال هست که ثوابی که خدا برای واجبات می‌دهد و رتبه واجبات از حیث مطلوبات رتبه واحده است برای همه یکی است یا نه در واجبات هم طبعاً تشکیک و ذو مراتب بودن در واجبات چطور است. در واجبات روشن است که تشکیک ذاتی وجود دارد که همان درجاتی است که در اعمال واجب است یعنی نماز تا انفاق و زکات فرق دارد شاید نماز از همه بیشتر ثواب داشته باشد. یک نکته هم مربوط به شاخصهای دینداری و اولویت‌ها در دینداری است که بعد بحث می‌کنیم. به هر حال واجبات هم رتبه و درجه‌شان متفاوت است اما سؤال در بحث دوم است که تفاوت تشکیک از حیث عرضیات و علوم ثانوی چطور است. که باید رتبه بندی بشود و چیزهای مختلفی که اینجا مطرح شده است. مثلاً در باب علم اگر کسی جاهل است ولی مقید به این است که انجام بدهد این ممکن است بیشتر ثواب ببرد. این هم بحث دیگری است که بحث می‌کنیم.